

بررسی انگیزه مستشرقان از ترجمه قرآن و فعالیت‌های قرآنی

گل محمد فدایی^۱

چکیده

قرآن کریم عموم انسان‌ها به‌خصوص علما و اندیشمندان را به تفکر، تدبر و فهم دعوت و ترغیب نموده است. از آنجاکه زبان اصلی قرآن عربی است، اندیشمندان و علمای سایر ملت‌ها و ادیان تلاش کرده‌اند که آن را به زبان مردم خود، ترجمه کنند. در این زمینه بیشترین سهم و فعالیت را اندیشمندان غربی با مستشرقان داشته‌اند و این کار را با انگیزه‌های گوناگونی انجام داده‌اند. هدف این تحقیق که با روش تحلیلی و توصیفی صورت گرفته، بررسی انگیزه مستشرقان از این ترجمه‌ها و فعالیت‌های قرآنی است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که هرچند اکثر مستشرقان در فهم، ترجمه و جایگاه قرآن کریم، دچار اشتباهاتی شده‌اند که ناشی از پیش‌فرض‌های آنان درباره منابع و مصادر قرآن است؛ اما انگیزه اصلی آنان معرفی خصمانه قرآن و برجسته‌سازی برخی مسائل فقهی، حقوقی، جزایی و... هستند تا از این طریق اسلام و قرآن را بر مبنای اهداف سیاسی و مغرضانه خودشان به جوامع غربی معرفی کنند. لذا بسیاری از مترجمان مستشرق، قرآن را کتاب آسمانی و وحیانی نمی‌دانند یا دچار انحراف فهم هستند یا نسبت به قرآن و اسلام جهت‌گیری خصمانه داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: استشرق، مستشرقان، ترجمه، چاپ، انگیزه فعالیت‌های قرآنی

۱. دکتری فقه سیاسی، مجتمع آموزش عالی فقه، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران، مدرس مدرسه علمیه سجادیه، کابل، افغانستان

ایمیل: fadaeigolmohammad@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم از سوی خداوند برای پیامبر اسلام^(ص) به زبان عربی نازل شده است. با این حال، همان‌گونه که رسالت پیامبر اکرم^(ص) جهانی بوده و به قوم یا ملت خاصی محدود نمی‌شود، مطالب و مفاهیم قرآن کریم نیز جهانی و برای تمامی انسان‌ها است. از آنجاکه بسیاری از ملت‌های غیر عرب، به زبان عربی آشنایی کامل ندارند، ضرورت ترجمه قرآن به زبان هر ملت و مردم دیگر به وضوح احساس می‌شود. ترجمه‌های قرآن کریم در واقع بازتابی از مفاهیم وحی در زبان‌های دیگر است. هرچند ترجمه نمی‌تواند تمام خصوصیات و ویژگی‌های متن قرآن کریم را آن‌گونه که در زبان وحی (عربی) نازل شده، به‌طور کامل منعکس کند؛ اما هر زبانی به نحوی پرتو انوار وحی را در حد توان و مقتضیات خود، بازتاب می‌دهد. از این‌رو ترجمه قرآن یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و شاید گفت؛ این‌گونه تفاوت‌ها و فاصله‌ها یک امر طبیعی است منتهی به این فرض که ترجمه و هر فعالیت دیگر قرآنی بر محور درست انگاری و واقع‌نگری صورت بگیرد.

این تحقیق تلاش دارد برخی از ترجمه‌های قرآن کریم را که توسط مستشرقان در طول تاریخ انجام شده، همراه با اهداف آنان از این فعالیت‌ها را بررسی کند. البته در این میان، افراد متعددی از مستشرقان با نیت‌های متفاوت و در شرایط گوناگون، به‌ویژه در دوره‌هایی که شاهد جنگ‌ها و صلح‌های متعدد میان شرق و غرب بوده، اقدام به ترجمه و انتشار قرآن کرده‌اند. با این حال، باید بررسی کرد که ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف مانند لاتین، انگلیسی، آلمانی و فرانسوی تا چه اندازه در تبلیغ دین اسلام و گسترش آن در جهان تأثیرگذار بوده است. تاکنون بیش از ۱۲۰ ترجمه به ۳۵ زبان مختلف انجام شده است که برخی از آن‌ها چندین بار چاپ و توزیع شده است. از جمله، ترجمه مستشرق انگلیسی «جورج سیل» (۱۷۳۴ م) تاکنون ۳۴ بار چاپ شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشترین فعالیت‌های مستشرقان در زمینه قرآن کریم، مربوط به ترجمه این کتاب آسمانی بوده است. قرآن به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده و پژوهشگرانی مانند بروکلمان، پیرسن و بلاشر گزارشی از ترجمه‌های قرآن به زبان‌های اروپایی ارائه داده‌اند. (الویری، ۱۳۸۱: ۱۰۵) بر اساس یک پژوهش، در فاصله سال‌های



۱۵۱۵ تا ۱۹۸۰ میلادی، سه هزار و هشتادوپنج ترجمه کامل و ناقص از قرآن گزارش شده است.

اکثر این ترجمه‌ها توسط مبلغان مسیحی از عربی به گویش‌های محلی بومی صورت گرفته است. بیشتر ترجمه‌های مستشرقان یا از عدم درک درست زبان عربی بوده یا در راستای تبلیغ مسیحیت بوده یا در برخی موارد، از روی دشمنی و باهدف ضدیت با اسلام صورت گرفته است. برای درک بهتر انگیزه‌ها و اهداف این گونه ترجمه‌ها و نیز روشن‌تر شدن تفاوت‌های آن‌ها، تحقیقات بیشتری ضرورت دارد.

۱. مفاهیم و واژگان

۱-۱. استشرق

واژه‌هایی چون «استشرق» و «الدراسات الإسلامية» در زبان عربی، (ساسی، سالم الحاج، نقدالخطاب الاستشرق، ۲۰۰۲، ۳۵) یا «خاورشناسی»، «شرق‌شناسی»، «مطالعات شرقی» و «مطالعات اسلامی» در زبان فارسی، و نیز اصطلاحاتی نظیر (Eastern Islamic Studies، Islamicism، Studie) و (Orientalism) در زبان انگلیسی، دارای مفاهیم متفاوت و گوناگونی هستند. (الویری، ۱۳۸۱: ۲۰) این تفاوت تعبیر، ناشی از اختلاف در مفهوم جغرافیایی و مفهوم فرهنگی این اصطلاحات است. مفهوم جغرافیایی به معنای شناخت سرزمین‌های شرق و دریای مدیترانه است، درحالی‌که مفهوم فرهنگی به مطالعه مجموعه‌ای از فرهنگ، تمدن، نژاد، زبان و دین مردم سرزمین‌های شرقی اشاره دارد. در تعریف شرق‌شناسی و مطالعات شرقی یا اسلام‌شناسی و مطالعات اسلامی از نظر تاریخی در اندیشه‌ای غربیان تفاوت‌هایی وجود دارد، این اختلاف دیدگاه ناشی از اهداف و سیاست آن‌ها و تغییراتی است که در طول زمان رخ داده است. در سابق نگاه غربی‌ها به شرق و شرق‌شناسی در مفهوم سنتی خود نگاهی تحقیرآمیز به شرق و شرقیان داشته و از سوی دیگر، کشیش‌ها و حاکمان غرب مطالعات شرق‌شناسی را در انحصار غربی‌ها می‌دانستند؛ اما به تدریج، این ویژگی‌ها از میان رفت و نسل‌های جدید با مطالعه و گسترش رشته‌های علمی با انگیزه شناخت عمیق‌تر و درک حقایق بیشتر مسائل شرق‌شناسی را تعقیب



کردند که در سال ۱۹۷۳ میلادی، اصطلاح «مطالعات شرقی» جایگزین شرق‌شناسی شد و مفهوم نو و جدیدی پیدا کرد. مطالعات اسلامی نیز با اسلام‌شناسی در مفهوم سنتی خود تفاوت‌هایی دارد. در حال حاضر، مطالعات اسلامی به معنای هر تلاشی است که از سوی دانشمندان مغرب زمین، از زمان ورود اسلام به اسپانیا تاکنون، برای شناخت زبان، ادبیات، تاریخ، متون دینی، اندیشه‌ها و فرهنگ‌های سرزمین‌های اسلامی و مسلمانان صورت گرفته است. (ر.ک. الویری، ۱۳۸۱: ۲۰)

در این رویکرد جدید، نام اسلام‌شناسی با دیدگاه سنتی خود که اغلب همراه با شیوه‌ای تحقیرآمیز و منفی بود، تفاوت یافته است. اکنون مراکز و دانشگاه‌های مستقلی با دیدگاه کاملاً علمی و به‌دوراز تعصب و اسلام‌ستیزی به وجود آمده‌اند که در آن‌ها، دانشمندان غربی و شرقی در رشته‌های مختلف مشغول به تحقیق و فعالیت علمی هستند. البته نگاه دشمنانه گذشته، هنوز به‌طور کامل از بین نرفته و در برخی موارد، این مراکز و مؤسسات همچنان به‌صورت ابزاری در جهت منافع سیاسی کشورهای سلطه‌طلب و استعماری علیه کشورهای اسلامی، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۱۲. ترجمه

ترجمه در لغت از واژه «ترجم» که چهار حرف دارد یا از «رجم» عربی به معنای سخن گفتن از روی گمان و حدس است، یا اصلاً عربی نیست و از واژه کلدانی به معنای افکندن گرفته شده است، یا ممکن است از لغت لاتین (*targmono*) باشد و یا از لغت فارسی به معنای «ترزبان» گرفته شده باشد. «التَرْجُمَانُ وَ التَّرْجَمَانُ؛ المفسِّر للسان». با ضمه و فتحه به کسی گفته می‌شود که کلام را از زبان به زبان دیگر ترجمه می‌کند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۲: ۶۶)

در زمینه معنای اصطلاحی ترجمه، چند معنا گفته شده است: الف) تبلیغ کلام و رساندن سخن به کسی که آن را نشنیده است. ب) تفسیر و شرح سخن به همان زبان اصلی، که ابن عباس را به‌عنوان «ترجمان القرآن» می‌شناختند. ج) تفسیر سخن به زبان دیگر، ممکن است در این تفسیر الفاظ متفاوت باشد در عین حال به‌گونه‌ای سخن تفسیر و بیان شود که به مقصود و معنای کلام خلل و اشکالی ایجاد نشود بلکه مراد و معنای زبان اصلی را برای



زبان دوم انتقال دهد و معنا و مقصود هردو زبان یکی باشد. د) گرداندن و انتقال معنای کلام از یک زبان به زبان دیگر، این معنای ترجمه، مشهورترین معنا در کتب لغت عرب است و در عرف نیز معمولاً منظور همین معنا است. باین حال، در ترجمه قرآن، منظور رایج‌ترین نوع ترجمه، همان ترجمه تفسیری است؛ یعنی تفسیر کلام، چه به زبان اصلی باشد و چه به زبان دیگر، به طوری که معانی قرآن برای دیگران قابل فهم و تا حدی ممکن، مراد و مقصد الهی در تربیت بشری به تمام زبان‌ها منتقل شود. (رامیار، ۱۳۹۹: ۶۴۶-۶۴۸)

۲. پیشینه تحقیق

در پژوهش‌های قرآنی و تاریخ قرآن، برخی دانشمندان و محققین به این موضوع پرداخته‌اند. در ادامه به برخی از آثار مهم در این زمینه اشاره می‌شود:

۱. رامیار، محمود، تاریخ قرآن. این کتاب مجموعه‌ای از موضوعات علوم قرآنی است که به شناخت، سرگذشت، کتابت، جمع و تدوین قرآن می‌پردازد. این کتاب به زبان فارسی نگاشته شده و برای نخستین بار در ۱۳۴۶ ش. در تهران منتشر شده است. استواری و شیوایی متن و استفاده از منابع متعدد از ویژگی‌های آن است.

۲. حجتی، محمد باقر، تاریخ قرآن، نویسنده مباحث علوم قرآن، تاریخ چاپ و ترجمه قرآن را با روش جدید بررسی کرده است و از شبهات و دیدگاه‌های برخی مستشرقان در باره وحی و امی بودن پیامبر^(ص) با استناد دقیق علمی و تاریخی دفاع کرده است. در عین حال شرحی مفصل از اولین نسخه‌های خطی و چاپی قرآن به صورت مستند و عکس از آنها توضیح داده است.

۳. الحاج، ساسی سالم، نقد الخطاب الاستشراق. در این کتاب پس از تعریف مفهوم استشراق نظرات مستشرقین در مورد قرآن، زندگی پیامبر اکرم^(ص) و سیر تطور فقه اسلامی و قوانین فقهی بررسی شده و شبهاتی که از سوی مستشرقین در این زمینه‌ها وارد شده، پاسخ داده شده است. تتبع در اقوال و گستردگی آن باعث شده که مطالب کتاب از اعتبار علمی خاصی برخوردار باشد و مؤلف آن در حد امکان توانسته نظرات مختلف مستشرقین را درباره موضوعات مطروحه، جمع‌آوری و نقد و بررسی کند.

۴. تاریخ حرکت الاستشراق از عمر العالم لطفی، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان از محمدحسن زمانی و همچنین قرآن و مستشرقان از محمدحسن زمانی، مطالعات اسلامی در غرب از محسن الویری، از دیگر آثاری است که در این زمینه نوشته است.

بر اساس تحقیقات انجام‌شده، نخستین تلاش‌ها برای ترجمه آثار عربی به لاتینی از سوی کشیشان و پیش از جنگ‌های صلیبی آغاز شد؛ اما در دوران وقوع این جنگ‌ها مباحث شرق‌شناسی با رویکردی شناخت از روحیه، انگیزه‌ها و باورهای عمیق شرقیان به قرآن و اسلام رونق بیشتری یافت. از دیدگاه برخی اندیشمندان استفاده می‌شود که اولین ترجمه قرآن به زبان‌های اروپایی، ترجمه علمای دیر کلونی در اسپانیا در سال ۱۱۴۳ میلادی تحقق‌یافته است افرادی چون رابرت کایتانی اهل چستر و هرمان دلماطی، زیر نظر پطرس و به راهنمای او در سال (۱۱۵۶ میلادی) انجام دادند. در این روش از ترجمه قرآن کریم، انگیزه و اهداف غرض‌آلود مستشرقان بسیار روشن و بدیهی است. (الویری، ۱۳۸۰: ۱۰۶)

۳. ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف

ترجمه قرآن کریم به زبان‌های دیگر غیرعربی، از صدر اسلام سابقه و امتداد داشته است، نمونه آن حدیثی است که از سلمان فارسی نقل شده است که «بسم الله الرحمن الرحيم» را «به نام یزدان بخشاینده» ترجمه میکرد (شیخ طوسی، ۱۳۸۰: ۳۷) این حدیث نشان میدهد که این موضوع از طرف مسلمانان و غیرمسلمانان نیز موردتوجه بوده است؛ زیرا اسلام که یک دین جهانی است و قرآن برای همه جهانیان نازل شده است ضرورت فهم و آگاهی از محتوای قرآن برای سایر امت‌ها و مردم جهان لازم بود این ضرورت بدون ترجمه قرآن به زبان‌های دیگران محقق نخواهد شد. لذا از همان آغاز ظهور اسلام پیامبر^(ص) با علمای یهود و مسیحیت تماس و ارتباط داشته است. پیامبر اکرم^(ص) در قرآن در آیات مختلف، مناظره و گفتگویی با اهل کتاب داشته‌اند، مانند آیه مباهله و... این ارتباط در سال‌های بعد به تدریج گسترده تر شد و اندیشمندان اسلامی به‌عنوان مبلغ دین اسلام در کشورهای غیر اسلامی و غرب مسافرت میکردند

از طرف دیگر بسیاری از دانشمندان مسیحی، یهودی از مصر، یمن و شام و.. در مدینه



و مکه برای شناخت اسلام و قرآن می‌آمدند که بر اساس شواهد تاریخی برخی آنان مانند یوحنا راهب سینا و یوحنا نیقی رئیس دیر و یوحنا دمشقی مسلمان شدند. (رامیار، ۱۳۹۹: ۶۵۳)

۴. نقش ملیت‌ها در ترجمه قرآن کریم

ترجمه قرآن توسط ایرانیان در عهد رسول‌الله^(ص) نیز انجام گرفته است. در نامه‌های پیامبر^(ص) به پادشاهان آن زمان مانند نجاشی، مقوقس و خسرو پرویز، آیات قرآنی ذکر شده بود این نامه‌ها نیاز به ترجمه زبان آنان اعم از فارسی و یا زبان سریانی و زبان‌های دیگر داشت تا مقصود دعوت پیامبر را به آنان منتقل کند. ترجمه این نامه‌ها و آیات توسط افراد که مسلط بر هر دو زبان بودند انجام می‌شد. علاوه بر این، برخی از ایرانیان از سلمان فارسی خواسته بودند که سوره حمد و برخی آیات قرآن را به فارسی ترجمه کند. در قرون بعد نیز ایرانیان نخستین قومی از مسلمانان بودند که قرآن را به زبان مادری خود ترجمه کردند. (رامیار، ۱۳۹۹: ۶۵۴) برخی این ترجمه‌ها در موزه تاریخی و کتابخانه‌های ملی کشورها موجود است. یک نمونه از ترجمه قرآن به زبان ترکی از سال ۷۳۴ هجری قمری در موزه‌های هنری ترکیه در استانبول نگهداری می‌شود.

ترجمه قرآن کریم به زبان لاتین، انگلیسی، آلمانی و فرانسوی در دوره‌های از تاریخ به وسیله مستشرقان غربی و یا به سبب خود شرقی‌ها صورت گرفته است یکی از این ترجمه‌ها به زبان لاتینی توسط بطروس عالیقدر در سال ۱۱۴۳ بود که در غرب صورت گرفت و هدف بطروس از این ترجمه آشنای کشیشان به معارف قرآن و پیدا کردن نقاط ضعف و وارد کردن اشکالات بر قرآن بود که تا پنج قرن در انحصار کلیسا و کشیشان قرار داشت. بعد از ترجمه لاتینی ترجمه انگلیسی است که توسط رابرت کایتانی انجام شد، که قدیمی‌ترین ترجمه قرآن به زبان انگلیسی و ترجمه کاملی است ترجمه دیگر به زبان انگلیسی توسط الکساندر رأس از روی ترجمه فرانسوی در سال ۱۶۴۸ میلادی انجام شد. از جمله ترجمه‌های آرتور آری، پیک تال، و عبدالله یوسف علی که از معتبرترین‌ها هستند. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۰۵)

بر اساس گزارش تاریخی قرآن، از سال ۱۶۴۹ تا ۱۹۱۸ میلادی، ۲۹۵ ترجمه کامل و ۱۳۱ ترجمه ناقص به زبان انگلیسی صورت گرفته است که برخی از آن‌ها بارها تجدید چاپ نیز شده‌اند. همچنین قرآن حدود ۲۰ بار به زبان ایتالیایی، ۴۳ بار به زبان آلمانی و ۲۸ بار به زبان فرانسوی ترجمه شده است. اما هیچ‌کدام از این ترجمه‌ها تحت نظارت محققان مسلمان نبوده و دچار اشکالاتی هستند. قدیمی‌ترین ترجمه آلمانی قرآن توسط «شوابگر» از زبان ایتالیایی به آلمانی در سال ۱۶۱۶ میلادی انجام شد و به نام «قرآن محمد» در همان سال در شهر نورنبرگ به چاپ رسید. (زمانی، ۱۳۸۵: ۳۱)

تاکنون ۴۳ ترجمه قرآن به زبان آلمانی شناسایی شده و قدیمی‌ترین ترجمه فرانسوی قرآن، توسط «آندره دوریه» در سال ۱۶۴۷ میلادی با عنوان «قرآن محمد» در پاریس منتشر شد. این ترجمه تا سال ۱۷۷۵ میلادی بیش از بیست بار تجدید چاپ شد. ترجمه دیگری نیز توسط «کلود ساواری» فرانسوی انجام شد که بین سال‌های ۱۷۵۰ تا ۱۷۸۸ در پاریس بیش از ۲۸ بار تجدید چاپ گردید. جدیدترین ترجمه قرآن به زبان فرانسوی، توسط «ژاک برک» با توضیحات و مقدمه تحلیلی در سال ۱۹۹۰ میلادی چاپ و منتشر شده است. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۸: ۲۰۶)

۵. انگیزه مستشرقان از ترجمه قرآن کریم

بر اساس تحقیقات انجام شده، «نخستین بار در سال ۱۱۴۳ میلادی، کشیش‌های مسیحی برای مقابله با اسلام و قرآن، به این فکر افتادند که چگونه می‌توانند راه نفوذ و پیشرفت دین اسلام را در جهان، به‌ویژه در کشورهای غربی، متوقف کنند. یکی از روش‌های پیشنهادی آنان ترجمه انحرافی محتوای بخش‌هایی از قرآن به زبان لاتین و انگلیسی بود. شاید نخستین ترجمه قرآن کریم توسط کشیش بزرگ کلیسای کاتولیک به زبان لاتین انجام شده باشد و این ترجمه مورد نقد و بررسی کلیسا قرار گرفت. این ترجمه، چهارصد سال در خزانه محرمانه کلیسا نگهداری شد. از این زمان به بعد، قرآن‌پژوهی غربی آغاز شد.» (زمانی، ۱۳۸۶: ۳۰۴)

بعد از آن‌که ترجمه قرآن توسط کشیش «پطروس عالیقدر» صورت گرفت، اکنون نسخه‌ای از این ترجمه لاتینی به قلم خود مترجم در کتابخانه‌ای در پاریس وجود دارد. این



ترجمه برای پنج قرن به عنوان ابزاری برای تبلیغ مسیحیت و مقابله با اسلام استفاده می‌شد و در سال ۱۵۴۳ میلادی، به توصیه «مارتین لوتر»، توسط «تئودور بیلیاندر» در شهر بال منتشر شد. (زمانی، ۱۳۸۵: ۴۳) ترجمه قرآن ابتدا با تلاش «پتر ناسک»، روحانی دیر کلونی، در ربع دوم قرن دوازدهم میلادی آغاز شد. او گروهی از افراد برجسته را مأمور کرد تا یک سلسله تحقیقات، تألیفات و ترجمه‌هایی را انجام دهند که هدف آن‌ها مقابله فرهنگی، علمی و عقلی با اسلام بود. یکی از این فعالیت‌ها، ترجمه قرآن به لاتین توسط یک فرد انگلیسی به نام «رابرت کتونی» بود که در ژوئیه ۱۱۴۳ میلادی به اتمام رسید. در این زمینه، «رژی بلاشر» اعتراف می‌کند که این ترجمه و سایر آثار مرتبط، تغییر و تحولی مهم در مطالعات علمی درباره اسلام ایجاد نکرد. او می‌گوید: «متأسفانه این ترجمه‌ها و دیگر آثار مشابه، غالباً به صورت ردیه، دفاعیه و جدال قلمی بودند و بسیاری از آن‌ها با لحنی سخیف و همراه با توهین نگاشته شده‌اند». (بلاشر، ۱۳۷۲، ۱: ۱۹)

برخی اندیشمندان معتقدند که بسیاری از مستشرقان بدون رعایت اصول تحقیق و با تکیه بر روایات و اسناد ضعیف، به ترجمه قرآن پرداخته‌اند و غالباً جنبه الهی و آسمانی این کتاب مقدس را نادیده گرفته‌اند. آن‌ها قرآن را به عنوان کتابی عادی؛ اما تأثیرگذار در تاریخ بشر تلقی کرده‌اند که با روح و ماهیت آسمانی آن بیگانه است. (حجتی، ۱۳۸۳: ۱۸) در ابتدا، انگیزه بسیاری از مستشرقان، به‌ویژه کشیشان، مقابله و مبارزه با قرآن و مسلمانان بود. اکثر مستشرقان، که یا مأموران کلیسا یا کارگزاران دولت‌های غربی بودند، وظیفه داشتند به کشورهای اسلامی سفر کنند، زبان و ادبیات عرب را بیاموزند و با فرهنگ و آداب و رسوم مسلمانان آشنا شوند. هدف آن‌ها تضعیف اسلام و مبارزه با قرآن بود. این انگیزه از اعترافات و نوشته‌های خود مستشرقان آشکار است که به به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱. نخستین مترجم قرآن به لاتین، کشیشی به نام «پطرس عالی‌قدر» بود که هدف خود را چنین بیان می‌کند: «آیین اسلام و کتاب قرآن، یک بدعت در دین مسیحیت و بلکه شدیدترین و خطرناک‌ترین نوع آن است که باید محو شود. اگرچه ممکن است از این طریق نتوانیم مسلمانان را به مسیحیت بازگردانیم؛ اما دست کم می‌توانیم ایمان مسیحیان را در برابر جاذبه‌های قرآن واکسینه کنیم». (ساسی، ۲۰۰۲: ۴۴)

۲. «ابراهام هنکلمان»، پس از ممنوعیت ترجمه قرآن توسط «پاپ الکساندر»، متن قرآن را بدون توضیح در سال ۱۶۹۲ م. چاپ کرد. او در پاسخ به اعتراض کشیشان گفت: «هدف من یک حرکت دینی نیست، بلکه این کار را برای بررسی‌های زبان عربی انجام داده‌ام. با این حال، می‌توان از این طریق ضعف‌های قرآن را نیز نشان داد». (یوهان فوک، ۲۰۰۱: ۹۸)

۳. «لودویگو ماراتشی» که ترجمه و چاپ قرآن را در سال ۱۶۹۸ م. انجام داد، هدف خود را چنین بیان می‌کند: «انتشار قرآن، یک حرکت دفاعی از سوی کاتولیک‌ها علیه اسلام است». (همان: ۹۸)

برخی محققین معاصر باور دارند که اگر بخواهیم واقع‌بینانه به انگیزه‌های مستشرقان نگاه کنیم، نباید همه آن‌ها را مغرضانه بدانیم. با این حال، نمی‌توان ارتباط مستشرقان با کلیساها یا دولت‌های استعماری را نادیده گرفت که هدف اصلی آن‌ها از تعامل با کشورهای اسلامی، تضعیف و استعمار این کشورها بوده است.

مستشرقان، شامل خاورشناسانی که از سوی دولت‌های استعماری مأموریت پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات و تهیه طرح‌های استعمارگرایانه داشتند، اسلام‌شناسانی که به نمایندگی از کلیسا وظیفه شناسایی و مبارزه با اسلام را بر عهده داشتند، و همچنین محققان مستقلی که با ادعای بی‌طرفی به پژوهش‌های علمی محض می‌پرداختند، همگی برای تحقق اهداف کلیسا یا استعمار در قالب‌ها و پوشش‌های متنوع، به فعالیت می‌پرداختند. نخستین گام برای آشنایی غربیان با اندیشه‌های مسلمانان، تمدن شرق و محتوای این کتاب آسمانی، ترجمه قرآن بود. در کل می‌توان گفت که انگیزه مستشرقان از ترجمه قرآن متنوع و متفاوت بوده است که در مجموع می‌توان آن‌ها را در سه دسته طبقه‌بندی کرد:

۵-۱. انگیزه مقابله و معارضه باقرآن

برخی از مستشرقان که در کلیسا تربیت یافته بودند یا از کلیسا برآمده بودند، به‌طور عمده تحت تأثیر اندیشه‌های روحانیون و کشیشان قرار داشتند. این افراد یا خود کشیش بودند، یا دوره‌های آموزشی خود را در مدارس وابسته به کلیسا گذرانده و در دانشگاه‌هایی که با اندیشه‌های مسیحی مرتبط بودند، تحصیل کرده بودند. این گروه از مستشرقان معمولاً



مأموریت داشتند که اهداف کلیسا و صلیبی‌ها را در برابر مسلمانان محقق کنند. این افراد در تلاش بودند تا با شناخت دقیق‌تر از اسلام و قرآن، نقاط ضعف این دین و کتاب مقدس را شناسایی کنند تا به وسیله اثبات این نقاط ضعف، مسیحیت را ترویج دهند. در واقع ترجمه قرآن به زبان‌هایی همچون لاتین و انگلیسی در اواسط قرن دوازدهم میلادی (۱۱۴۳ م.) با همین هدف صورت گرفت. یکی از مستشرقان می‌گوید:

«هدف از ترجمه قرآن این است که شاید نتوانیم مسلمانان را به دین مسیحیت بازگردانیم، اما حداقل علمای مسیحیت می‌توانند با کشف و تبیین نقاط ضعف قرآن، ایمان پیروان مسیحیت را در برابر تبلیغ و دعوت اسلام واکسینه کنند، تا جذابیت‌های محدود قرآن نتواند عقاید آنان را تغییر دهد». (ساسی، ۲۰۰۲، ۱: ۴۴)

۵-۲. انگیزه شناختی بی‌طرفانه

در میان هر گروه، قوم، نهاد، ملت و کشوری، افرادی هستند که به دنبال رسیدن به حقیقت باشند و به قضایا و پدیده‌های اجتماعی به صورت بی‌طرفانه، بدون پیش‌فرض‌های ذهنی و بدون تعلقات خاص به نهاد یا دین خاصی، می‌نگرند. در میان مستشرقان نیز، برخی از آنان که در زمینه قرآن‌پژوهی و اسلام‌شناسی فعالیت داشتند، هدفشان از ترجمه قرآن تنها شناخت حقیقت قرآن و معارف اسلامی بوده است. به چند نمونه از این افراد اشاره می‌شود. یکی از این افراد «بلر آلمانی» است که در وصف قرآن می‌گوید: «قرآن دارای مواظلی آشکار است و برای همیشه بی‌معارض خواهد بود». «ویل دورانت»، مورخ مشهور و نویسنده کتاب «تاریخ تمدن»، نیز در مورد قرآن چنین اظهار می‌دارد: «قرآن در جان‌های ساده عقایدی آسان و دور از ابهام و تشریفات ناروا را به وجود آورده و انسان‌ها را از قید بت‌پرستی و کاهنی آزاد کرده است. به وسیله قرآن، اخلاق و فرهنگ مسلمانان ترقی کرده و اصول نظم اجتماعی و وحدت اجتماعی از خرافات، ظلم و خشونت‌رهایی یافته است». (دورانت، ۱۳۶۵: ۴۵)

بسیاری از مستشرقان دیگر همچون نون گرونبوم، هوستون اسمیت آمریکایی، دکتر فیلیپ میری گیلورد دورما، خانم مارگرت کوسین دپرسوال، پول کازنوا، بر سورت اسمیت و دیگران نیز در سال‌های اخیر صرفاً به دنبال شناخت حقیقت بودند. هیچ‌گونه پیش‌فرض

ذهنی دینی، ملی یا زبانی آنان را از هدف حقیقت‌جویانه‌شان منحرف نکرده است. (مردانی، ۱۴۰۴: ۶۲)

۵-۳. انگیزه شناختی برای دفاع از حقیقت

در میان مستشرقان، افرادی بودند که هدف و انگیزه‌شان از تحقیق و ترجمه قرآن، رسیدن به حق و حقیقت بود. همان‌طور که در تاریخ ثبت شده است، برخی از آن‌ها وقتی با قرآن و اسلام آشنا شدند و حقانیت اسلام و برتری قرآن را بر سایر کتب آسمانی مانند تورات و انجیل دریافتند، به سرعت مسلمان شدند. تعداد این افراد، همان‌طور که در برخی منابع آمده، از چند هزار نفر فراتر می‌رود. برخی از آنان که اندیشمندان بزرگ مسیحی و دارای آثار علمی بودند، پس از تحقیق در مورد اسلام و قرآن مسلمان شدند و از اسلام دفاع کردند. به عنوان مثال، آنسلم تورمیدا که پس از اسلام آوردن دو کتاب به نام‌های «النبوات» و «التعالیم الصالحه» نوشت. مستشرق دیگری به نام فرانسوا ماری ولتر، نویسنده، فیلسوف و نماینده‌نامه‌نویس بزرگ فرانسوی، در وصف قرآن می‌گوید: «من یقین دارم که اگر قرآن و انجیل را به یک فرد غیر مؤمن ارائه دهند، او حتماً قرآن را برمی‌گزید، زیرا کتاب محمد در ظاهر افکاری را تعلیم می‌دهد که به اندازه کافی بر مبنای عقلی منطبق است». (رئیس، ۱۳۸۶: ۱۲۴)

فرد دیگری به نام فونس آتین دینیته، نقاش و دانشمند فرانسوی، پس از پذیرش دین اسلام نام «ناصرالدین» بر خود نهاد و کتاب‌هایی مانند «حیة العرب»، «حیة الصحراء»، «اشعة من نور الاسلام» و «الشرق فی نظر الغرب» در دفاع از اسلام و پیامبر (ص) به زبان فرانسوی نوشت و منتشر کرد. همچنین، شخصی به نام «حیة هاری سانت فیلیپی» که پس از سفر به کشورهای اسلامی در سال ۱۹۳۰ میلادی دین اسلام را پذیرفت و نام خود را به «عبدالله» تغییر داد و به عبدالله فیلیپی شهرت یافت. مستشرقان دیگری نیز بودند که با تحقیق درباره اسلام و معارف بلند قرآن به حقیقت دین اسلام پی بردند، از جمله محمد اسد، مورس بوکای، مراد ولفرید هوفمن، تسویتان تیوفانوف، ادواردو انیلی، ابراهیم خلیلی فیلبوس، والراپور وخوا، عبدالکریم جرمانوس، ر. ج. فلورز، میثوبیلر و... که اسامی برخی از آن‌ها در «گنجینه مستشرقان هدایت یافته» آمده است. برخی مستشرقان، هرچند مسلمان نشدند،



اما از اسلام و قرآن دفاع کردند و به تبلیغ اسلام در غرب پرداختند، مانند هانری کربن و... (زمانی، ۱۳۸۶: ۵۶)

از بررسی مجموع تاریخ مستشرقان و دیدگاه‌های مطرح در این زمینه، استفاده می‌شود که بحث استشراق و مطالعات اسلامی در غرب، به‌عنوان یک رشته علمی تخصصی، فراز و نشیب‌هایی در تاریخ خود داشته است و دانشجویان این رشته با انگیزه‌ها و سلیقه‌های مختلف در این مسیر علمی گام برمی‌دارند. نویسنده کتاب «اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان» می‌نویسد: «جریان شرق‌شناسی در تاریخ را می‌توان به سه گروه طبقه‌بندی کرد: برخی از آن‌ها با انصاف و حقیقت‌جویی هستند و مدافع حقانیت اسلام، که حتی برخی از آن‌ها در دفاع از قرآن در برابر مسیحیت قربانی شدند، مانند یوهان رایسکه آلمانی و ادوارد سعید مسیحی. دیگر گروه‌ها مستشرقان تبشیری برای کلیساها و مستشرقان استعماری بودند که از قرن ۱۶ به بعد از سوی دولت‌های غربی مأموریت یافتند و به‌عنوان سفیر و مشاور در وزارت خارجه دولت‌های غربی و سفارتخانه‌های آن‌ها مشغول به کار شدند». (اعظم شاهد، ۱۳۸۶: ۲۸)

۶. بررسی محتوایی ترجمه مستشرقان

ترجمه‌هایی که توسط مستشرقان از قرآن صورت گرفته است، به چند دسته تقسیم می‌شوند: الف. ترجمه‌های گزیده‌ای: برخی از ترجمه‌ها، گزیده‌هایی از قرآن کریم هستند که این گزینش‌ها خود به دو صورت انجام گرفته است:

- گزینش مغرضانه و هدف‌دار: در این نوع ترجمه‌ها، مترجمان به‌طور عمدی تلاش می‌کنند که بخش‌هایی از قرآن را که به نظر خودشان مناسب است ترجمه کنند که هدف اصلی آنان، معمولاً تضعیف دین اسلام است.
- گزینش برای آگاهی: در این نوع گزینش‌ها، تنها بخش‌هایی از قرآن انتخاب می‌شود تا آگاهی بیشتری از آیات قرآن به دست آید.

ب. ترجمه‌های کامل قرآن: این دسته از ترجمه‌ها، به سه نوع قابل تقسیم است:

- ترجمه‌های مغرضانه: این ترجمه‌ها معمولاً به عمد با هدف مبارزه با قرآن انجام

می‌شوند. در این ترجمه‌ها، مفاهیم و معانی قرآن به‌طور اشتباه ترجمه شده‌اند تا بتوانند

قرآن را در جامعه مسیحی غیرواقعی و دور از اندیشه و احساس مردم معرفی کنند.

- ترجمه‌های جاهلانه: این نوع ترجمه‌ها ناشی از ناآگاهی مترجم از ویژگی‌های زبان عربی

یا مفاهیم و معارف اسلامی است. در این دسته از ترجمه‌ها، اشتباهات زیادی وجود دارد.

- ترجمه‌های دقیق و صحیح: در این دسته، تلاش شده تا ترجمه‌ها دقیق و صحیح

باشند و اگر خطاهایی هم وجود دارد، اندک است. این نوع ترجمه‌ها تعداد کمی

دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ترجمه آبراهام هنکلمان، راهب بزرگ هامبورگ آلمان که در سال ۱۶۹۲ میلادی فوت کرد. ایشان ترجمه مهمی از قرآن نوشت که پس از چاپ، مورد اعتراض کشیشان قرار گرفت. ایشان برای رهایی از اعتراضات کشیشان توضیح داد که هدف از این ترجمه، بررسی و نقد زبان عربی و قرآن بوده است. ترجمه لرد فیشو ماراشی که در اواخر سال ۱۶۹۸ میلادی قرآن را به زبان لاتین ترجمه کرد. این ترجمه نیز پس از انتشار مورد اعتراض قرار گرفت و لرد فیشو اعلام کرد که هدف از این ترجمه، حرکت دفاعی از سوی کلیسای کاتولیک علیه اسلام بوده است.

از توجیهات و گفته‌های اندیشمندان این دوره، انگیزه‌های منفی مستشرقان روشن می‌شود. به‌طور خاص، بلاشر در این زمینه می‌گوید: «آنچه در مرحله اول از ترجمه‌ها نوشته شده بود، تقریباً همگی به‌صورت ردیه و دفاعیه و جدال قلمی بودند که برخی از آن‌ها لحن و بیانی سخیف و همراه با فحش و توهین داشتند». (بلاشر، ۱۳۷۲: ۱۹)

با این حال، برخی ترجمه‌ها که بعداً توسط افراد و گروه‌های محقق بر اساس تحقیق علمی صورت گرفته‌اند، قابل توجه هستند. در این زمینه، الویری می‌گوید: «نخستین ترجمه‌های قرآن به زبان‌های لاتین که تقریباً هم‌زمان با شکل‌گیری استشرق بودند، باعث شدند که در مرحله دوم ترجمه، اسلام‌شناسان بدون مراجعه به قرآن اصلی، آن را از روی ترجمه‌های لاتینی به دیگر زبان‌های اروپایی ترجمه کنند. این مرحله را بدترین مرحله ترجمه قرآن شمرده‌اند. بسیاری از ترجمه‌های این دوره آکنده از تحریف و کینه‌توزی علیه اسلام و قرآن است». (الویری، ۱۳۸۱: ۱۰۷)



با گذشت زمان و تحقیقات جدید، ترجمه‌های بهتری صورت گرفته است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. ترجمه منتخب از آرتور ج. آربری، استاد دانشگاه کمبریج که در سال ۱۹۵۵ در لندن منتشر شد.

۲. ترجمه موننگمری وات، که عمدتاً بر اساس ترجمه آربری است و در سال ۱۹۶۷ در لندن منتشر شد.

۳. ترجمه کامل قرآن به زبان آلمانی توسط رودی پارت که در سال‌های ۱۹۶۶ در چهار بخش در شهر اشتوتگارت منتشر شد.

۴. ترجمه‌های انگلیسی توسط رادول در سال ۱۸۱۶ و پالمر در سال ۱۸۸۰ و همچنین ترجمه مارمادوک پیکتال تحت عنوان «ترجمه توضیح‌آمیز معانی قرآن» که در لندن به چاپ رسیده است. (آرتورج، ۱۹۵۳: ۵۷)

۷. سایر فعالیت‌های قرآنی توسط مستشرقان

۷-۱. چاپ قرآن

با توجه به مطالعات انجام‌شده در زمینه فعالیت‌ها و تلاش‌های مستشرقان، روشن می‌شود که آن‌ها در طول تاریخ با انگیزه‌های متفاوتی به تحقیق و پژوهش درباره اسلام و قرآن پرداخته‌اند. تأثیر این فعالیت‌ها امروز با گسترش و سرعت ارتباطات الکترونیکی و رسانه‌های دیجیتال برای همگان آشکار است. یکی از مهم‌ترین زمینه‌های فعالیت قرآنی مستشرقان، چاپ و نشر قرآن به زبان‌های غیرعربی است که نخستین بار در سال ۱۴۹۹ میلادی (اواخر قرن پانزدهم) انجام شد. این اقدام در شهر بندقیه (که امروزه ونیز نامیده می‌شود) در ایتالیا و در قلب پایگاه کاتولیک‌ها صورت گرفت؛ اما نسخه‌های چاپ شده بلافاصله به فرمان پاپ و کلیسا جمع‌آوری شدند. استدلال آنان این بود که چاپ قرآن و ترجمه آن اثرات منفی برای آن‌ها خواهد داشت. بنابراین پس از جمع‌آوری تمامی نسخه‌ها، آن‌ها را سوزاندند. به همین دلیل، چاپ و انتشار قرآن مدتی در اروپا ممنوع شد. (احمدوند، ۱۳۸۰: ۶۸)

پس از آن واقعه، بحث پیرامون چاپ قرآن، بار دیگر میان سران کلیسا مطرح شد. در نهایت، به این نتیجه رسیدند که چاپ قرآن همراه با ترجمه‌هایی که تحت نظارت کلیسا انجام شده، می‌تواند برای اهداف کلیسا مفید واقع شود. به همین دلیل، در سال ۱۵۱۸ میلادی؛ یعنی حدود نوزده سال بعد، چاپ و نشر قرآن بار دیگر در شهر بندقیه آغاز شد و این روند دیگر متوقف نشد. از آن زمان تاکنون، چاپ قرآن در غرب ادامه یافته است. این در حالی بود که در جهان اسلام، قرآن تا سال ۱۸۰۰ میلادی به صورت چاپی منتشر نشده بود. نخستین بار، قرآن در سال ۱۸۰۳ میلادی در شهر غازان، یکی از مراکز دینی روسیه، به چاپ رسید. پس از آن، چاپ قرآن در شهرهای مختلف از جمله کلکته هند، قاهره، بمبئی، استانبول، تبریز و سپس در تهران گسترش یافت. با این حساب، کشورهای اسلامی حدود سیصد سال پس از غربی‌ها اقدام به چاپ قرآن کردند. (زمانی، ۱۳۸۵: ۳۰۵)

۲-۷. معجم الفاظ قرآن

یکی از فعالیت‌های مهم مستشرقان درباره قرآن، معجم‌نویسی بوده است. این کار ابتدا به دست مستشرقان آغاز شد. همان‌طور که مستشرقان در ترجمه قرآن نقش اساسی داشتند، در تألیف معجم الفاظ قرآن نیز فعالیت چشمگیری از خود نشان دادند. بدون شک، معجم‌نویسی الفاظ قرآن در گذشته، برای سهولت و سرعت در یافتن کلمات و آیات، اقدامی بسیار مهم به شمار می‌رفت. آقای زمانی در این زمینه می‌گوید: «در گذشته، هرگاه طلاب می‌خواستند درباره یکی از موضوعات قرآن تدبری داشته باشند، با مشکلات بسیاری مواجه می‌شدند. ورق زدن تمامی قرآن برای یافتن یک موضوع یا آیات مرتبط، کار بسیار دشواری بود. به عنوان مثال، اگر لازم بود آیاتی که در مورد «صبر» آمده است، جمع‌آوری و ارائه شوند، این کار نیازمند صرف زمان زیادی بود». (زمانی، ۱۳۸۵: ۴۸)

در آن دوران، برخلاف امروز که ابزارهای دیجیتالی، نرم‌افزارها و اینترنت در دسترس هستند، تحقیق و پژوهش در قرآن، حتی برای یافتن یک کلمه و مشتقات آن، بسیار دشوار و زمان‌بر بود. محققان و علما مجبور بودند واژه یا مشتقات آن را با ورق زدن و بررسی تمامی قرآن بیابند. این امر وقت زیادی از آنان می‌گرفت. این مشکل، توجه مستشرقان را جلب کرد و آن‌ها با تدوین معجم الفاظ قرآن، این کار را آسان‌تر کردند. نخستین فردی که به این



حوزه وارد شد، «فلوگل» آلمانی بود. او حدود دویست سال پیش، با استفاده از کتاب‌ها و ترجمه‌های قرآنی، نخستین معجم الفاظ قرآن را تهیه کرد و در سال ۱۸۴۲ میلادی، آن را به چاپ رساند. سال‌ها بعد، این معجم به زبان عربی ترجمه و با نام «نجوم القرآن» در لایپزیک آلمان منتشر شد. حدود هفتاد یا هشتاد سال از این فعالیت گذشت و کسی از مسلمانان در این زمینه کاری انجام نداد. سپس آقای محمد فؤاد عبدالباقی این کتاب را ویرایش کرد، به زبان عربی کامل درآورد و با نام «المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم» منتشر کرد. این اثر در دسترس جهان اسلام و علمای مسلمان قرار گرفت و همچنان به عنوان مرجعی ارزشمند، شناخته می‌شود. (ر.ک. زمانی، ۱۳۸۵: ۴۹-۵۱)

۷-۳. دایره المعارف ویژه قرآن

یکی دیگر از فعالیت‌های مهم مستشرقان در زمینه قرآن، تدوین دایره‌المعارف قرآن است. این کار در کشور هلند و شهر لیدن انجام شد و توسط محققانی از ادیان مختلف از جمله مسیحیت، یهودیت و همچنین برخی اندیشمندان مسلمان مانند حامد نصر ابو زید و محمد ارگون، با مدیریت خانم مک‌اولیف، به ثمر رسید. در این پروژه، مقالات علمی و تحقیقی متعددی درباره موضوعات مختلف قرآنی با دقت و کنجکاوی گردآوری و در قالب دایره‌المعارف قرآن در ۵ جلد تدوین شد. امروزه این دایره‌المعارف نخستین مرجع قرآنی به زبان‌های اروپایی است و در بسیاری از کتابخانه‌های عمومی و تخصصی اروپا نگهداری می‌شود. تهیه و دسترسی به این دایره‌المعارف برای کتابخانه‌های عمومی و تخصصی کشورهای اسلامی نیز ضروری به نظر می‌رسد. (زمانی، ۱۳۸۵: ۵۲)

طبق اظهارات مستشرقان، هدف از تدوین این دایره‌المعارف، دستیابی به موضوعات و معارف قرآنی و گسترش زمینه تحقیقات علمی در باب مطالب و موضوعات مرتبط با قرآن بوده است.

علاوه بر این، مستشرقان در زمینه‌های دیگر قرآنی نیز فعالیت داشته‌اند. از جمله تهیه انواع فهرست‌های قرآنی، تصحیح رساله‌های علوم قرآنی، و بررسی و تحلیل محتوای قرآن. تمامی این فعالیت‌ها بر پایه ترجمه قرآن صورت گرفته است. به عبارت دیگر، ترجمه قرآن یا بخش‌هایی از آن تأثیر چشمگیری بر سایر فعالیت‌های قرآنی مستشرقان داشته است.

بیشتر مستشرقان غربی که مطالعات اسلامی و علوم قرآنی انجام داده‌اند، کار خود را با ترجمه قرآن آغاز کرده‌اند و پس از آن، به دیگر فعالیت‌های قرآنی روی آورده‌اند. برای نمونه، «فلوگل» آلمانی (۱۸۰۲-۱۸۷۰ م.) که نخستین معجم مفهرس قرآن را با نام «نجوم القرآن فی أطراف القرآن» تدوین کرد، پیش از این اثر، فعالیت‌هایی بی‌بدیل در زمینه ترجمه قرآن و چاپ و نشر آن انجام داده بود. (سایت خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، بررسی مطالعات قرآنی مستشرقان، ۱۳۸۹)

نتیجه‌گیری

واژه «استشراق» به پژوهش‌ها و تلاش‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی اطلاق می‌شود که توسط پژوهشگران و محققانی سازمان‌یافته و شبکه‌ای درباره اسلام، قرآن، و کشورهای اسلامی و شرقی انجام می‌گیرد. مستشرقان، که به این فعالیت‌ها می‌پردازند، در طول تاریخ با شرایط مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، تحولات گوناگونی را تجربه کرده‌اند. این مفهوم در بستر تاریخی و فرهنگی، با واژه‌هایی همچون «الاستشراق»، «شرق‌شناسی»، «خاورشناسی»، و «مطالعات اسلامی در غرب»، تفاوت‌هایی در لفظ و معنا پیدا کرده است. فعالیت مستشرقان در زمینه ترجمه، چاپ، نشر، معجم‌نویسی الفاظ قرآن کریم و تدوین دایرةالمعارف قرآن بسیار چشمگیر و بی‌بدیل بوده است. آثار فراوانی از این فعالیت‌ها در کشورهای شرقی و غربی دیده می‌شود. با این حال، اهداف و انگیزه‌های مستشرقان از این فعالیت‌ها متفاوت بوده است. بر اساس آثار و گفتار مستشرقان، می‌توان نتیجه گرفت که انگیزه اولیه بسیاری از آن‌ها از ترجمه و فعالیت‌های قرآنی، مقابله و مبارزه با مسلمانان بوده است. اما با گذشت زمان، برخی از مستشرقان منصف و بی‌طرف نیز وارد این عرصه شدند که با انگیزه‌های علمی و رسیدن به حقیقت، به ترجمه و مطالعات قرآنی پرداختند. با این حال، بیشتر مستشرقان در فهم قرآن و ترجمه آن دچار اشتباهات زیادی شده‌اند. این اشتباهات غالباً ناشی از پیش‌فرض‌های نادرست آنان درباره منابع و مصادر قرآن بوده است. به‌ویژه، بسیاری از مترجمان مستشرق، قرآن را به‌عنوان کتابی وحیانی و آسمانی قبول نداشتند و همین امر باعث انحراف یا جهت‌گیری خصمانه در ترجمه‌هایشان شده است. ترجمه قرآن توسط مستشرقان فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است. از قرن



یازدهم تا قرن پانزدهم میلادی، قرآن با نام‌هایی همچون «کتاب بربرها» و با رویکردی خصمانه ترجمه و به غرب معرفی می‌شد؛ اما در ادامه، نسل جدیدی از مستشرقان با تفکر نوین و واقع‌بینانه، تلاش کردند ترجمه‌هایی دقیق‌تر و بی‌طرفانه‌تر از قرآن ارائه دهند. این ترجمه‌ها مستقیماً از زبان عربی انجام شد و هدف آن‌ها معرفی قرآن به جهان غرب و سایر ملت‌ها بود.

با وجود این تلاش‌ها، ترجمه قرآن هنوز جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده و گاهی برای برخی مستشرقان به‌عنوان یک معما باقی مانده است. مسئولیت اصلی در این زمینه بر عهده دانشمندان و مترجمان مسلمان است که باید قرآن را با توجه به شأن و زبان قرآن کریم، به زبان‌های مختلف مانند انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و سایر زبان‌ها ترجمه کنند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. آرتورج، آربر، (۱۹۵۳)، *مقدمه‌ای بر ترجمه قرآن*، بی‌نا: بی‌جا.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
۳. الویری، محسن، (۱۳۸۱)، *مطالعات اسلامی در غرب*، تهران: سمت.
۴. حجتی، محمد باقر، (۱۳۸۳) *تاریخ قرآن کریم*، تهران: دفتر نشر فرهنگ.
۵. رامیار، محمود، (۱۳۹۹)، *تاریخ قرآن*، تهران: نشر امیرکبیر.
۶. رژی، بلاشر، (۱۳۷۲)، *درآمدی بر قرآن*، (ترجمه: اسدالله مبشری)، تهران: نشر ارغنون.
۷. رئیس، اعظم شاهد، (۱۳۸۶) *اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۸. زمانی، محمدحسن، (۱۳۸۵)، *مستشرقان و قرآن*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۹. زمانی، محمدحسن، (۱۳۸۶)، *شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان*، قم: بوستان کتاب.
۱۰. ساسی، سالم الحاج، (۲۰۰۲)، *نقد الخطاب الاستشراق*، بیروت: دارالمدارس الاسلامیه.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۰)، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، قم: دفتر نشر اسلامی.
۱۲. مردانی، خیرالله (۱۴۰۲ ق)، *اعترافات دانشمندان بزرگ جهان*، تهران: انتشارات آیین جعفری

